

تعدد - تکرار -

صدق هناوین متعدد بر يك عمل مجرمانه

(قسمت سوم)

۲ - متن ماده ۵۴ مکرر قانون مجازات عمومی و نیز سه فقره از آراء هیئت عمومی دیوانعالی کشور که بنظر می‌رسد مفاد متناقض دارند در قسمت دوم مقاله نقل شد و از نظر خوانندگان گذشت و اینک در این قسمت از مقاله بدواً چگونگی ماده ۵۴ مکرر مرقوم و تعارض آنرا با مواد ۵۴ و ۵۵ اصلی و ماده ۱۹۲ قانون مرقوم مورد بحث و مطالعه قرار می‌دهیم و سپس بتوضیح و بیان ایرادات قانونی که بر آراء فوق‌الذکر وارد بنظر می‌رسد و همچنین جهات تناقض آنها با یکدیگر می‌پردازیم.

الف - بطوریکه در قسمت‌های اول مقاله توضیح داده شد در ماده ۵۴ مکرر دو مطلب زیر مورد اختلاف نظر و سوء تعبیر قرار گرفته است.

اول در بعضی از موارد پیش‌بینی شده در ماده ۵۴ اصلاحی مانند مورد قسمت اخیر از شق ۳ آن جهت رعایت تخفیف مجازات درباره مجرم بعضی از شعب دیوانعالی کشور معتقد شده است باینکه استناد بماده ۵۴ مکرر صحیح نیست و چون در موارد مذکور سنخ جرم تغییر یافته و جنائی شده است هر گاه دادگاه بخواهد تخفیف در مجازات قائل شود باید بماده ۵۴ از قانون جزا استناد نماید.

دوم - منظور قانون گذار از حداقل و حداکثر مجازات که در ماده ۵۴ مکرر ذکر شده آیا حد اقل و حداکثر مجازات اصل عمل است و یا اینکه منظور وی حداقل و حداکثر مجازاتی است که بموجب ماده ۵۴ اصلاحی بجهت تشدید مقرر گردیده است. ؟

در خصوص مطلب اول بعقیده اینجانب مجوز تخفیف در کلیه موارد تکرار و در مورد همه شقوق و بند های ماده ۵۴ اصلاحی و نیز در تمام موارد تعدد جرم و مواردیکه مطابق قانون مجرم باید به حداقل مجازات محکوم گردد فقط ماده ۵۴ مکرر است لاغیر زیرا :

اولاً - خود ماده مزبور بنحوی که نقل شد صراحت کامل در این معنی دارد و مخصوصاً با عبارات صریح زیر (در موارد تکرار و تعدد جرم) مقرر داشته است که در همه مورد های تکرار و تعدد بر حسب مفاد ماده مزبور رفتار خواهد شد.

اجتهاد در برابر یک چنین نص قانونی نه فقط صحیح نمیباشد بلکه تخلف بین و آشکار قضائی است.

ثانیاً - تأخیر تاریخ تصویب آن موجب حاکمیت ماده مزبوره بر مواد ۴ و ۵ اصلی بوده و آنها را تخصیص داده و از موارد تکرار و تعدد و سایر مواردیکه مجرم باید مطابق قانون بعد اکثر مجازات محکوم گردد منصرف مینماید.

ثالثاً - اگر چنانچه در موارد تکرار و تعدد و در فرضهایی که بعلت تشدید سنخ و نوع مجازات تغییر پیدا میکند و جنائی میشود جهت تخفیف مجازات بماده ۴ استناد بشود ممکن است نقض غرض پیش بیاید زیرا بموجب ماده ۴ حبس موقت با اعمال شاقه را دادگاه میتواند به حبس مجرد یا حبس تأدیبی که کمتر از دو سال نباشد تبدیل نماید.

حال فرض کنید متهمی وضعی را دارد که در قسمت اخیر شق ۳ ماده ۲۵ اصلاحی پیش بینی شده است و مجازاتش حبس موقت با اعمال شاقه است و فرض فرمائید که موجبات تخفیف هم از هر حیث فراهم است و مجازات اصل عمل ارتكابی نیز حبس مجرد یا همان حبس موقت با اعمال شاقه است در اینصورت اگر دادگاه با اجازه ماده ۴ قانون مجازات بخواهد تخفیف بدهد میتواند مجازات را تا میزان دو سال حبس تأدیبی تنزیل دهد و نتیجه این عمل نقض غرض قانون گذار است.

بنا بمراتب ، ماده ۵ مکرر تعارضی با مواد دیگر ندارد و در تمام موارد تکرار و تعدد و نیز در سایر مواردیکه مطابق قانون مجرم باید بعد اکثر مجازات محکوم گردد مجوز تخفیف فقط ماده ۵ مکرر میباشد.

و در خصوص مطلب دوم نیز بعقیده اینجانب منظور قانون از حد اقل و حد اکثر مجازات مذکور در ماده ۵ مکرر همان حد اقل و حد اکثر مجازات مقرر برای اصل جرم است نه مجازاتی که در ماده ۲۵ اصلاحی پیش بینی و مقرر گردیده است زیرا :

اولا - در قسمت اخیر ماده مزبور خود قانون گذار بمطلب مزبور تصریح نموده و مقرر داشته است (در سایر موارد فقط معادل یک ربع از میزان جزای اصل عمل تحفیف دهد) عبارات مذکوره صریح است در معنائی که بیان شد و جای هیچگونه تفسیر و یا تاویلی در آن باقی نیست .

و ثانیاً - ماده ۲۰ اصلاحی در تمام فروض و موارد برای مجازات مشدد حداقل و حداکثر تعیین نکرده است .

در قسمت اول شق ۲ و در قسمت اخیر شق ۳ آن برای مجازات تشدید شده حد اقل و حد اکثر ذکر نشده است .

و بموجب قسمت اول شق ۲ آن مجازات یکدرجه تشدید میشود و طبق صریح قسمت اخیر شق ۳ نیز مجازات کسانی که بیش از دو سابقه محکومیت برای دزدی یا کلاهبرداری داشته باشند حبس موقت با اعمال شاقه است که در هیچیک از شقوق مذکوره حد اقل و حداکثر ذکر نشده است . بنا بر این قدر متیقن مجازات اشخاص مذکور و همچنین مشمولین قسمت اول شق ۲ همان حداقل مجازات تشدید شده است و تجاوز از آن مجوز قانونی ندارد .

و استدلال اینکه چون بموجب قسمت اخیر شق ۳ ماده ۲۰ اصلاحی مزبور مجازات کسانی که بیش از دو سابقه محکومیت برای دزدی یا کلاهبرداری داشته باشند مطلق حبس موقت با اعمال شاقه است و مطابق ماده ۸ قانون مجازات عمومی هم حد اقل مجازات مزبور سه و حداکثر آن ۱۰ سال است ، بنا بر این محاکم جزادر تعیین مجازات فیما بین حد اقل و حداکثر فوق الذکر مختارند و میتوانند فیما بین دو حد اقل و اکثر مذکور مجازات مناسبی را تعیین کنند صحیح نیست زیرا : مجازات باید مطابق نص صریح قانون باشد و آنچه در ماده ۲۰ اصلاحی و شقوق آن ذکر شده یکدرجه تشدید و یا حبس موقت با اعمال شاقه است ولی چون مفهوم یکدرجه تشدید و حبس موقت با اعمال شاقه در ضمن حد اقل محقق میگردد و با اجازه تجاوز از حد مذکور در ماده مرقوم تصریح نشده است در اینصورت تجاوز از آن بلا مجوز خواهد بود .

در اینجا بابهام و نقص دیگری در ماده ۲۰ اصلاحی متوجه میشویم و آن اینست که هرگاه مجازات اصل عمل ارتكابی متهم در مرتبه چهارم حبس موقت

با اعمال شاقه باشد در مورد قسمت اخیر از شق ۳ ماده مزبور تکرار جرم هیچگونه اثر عملی نخواهد داشت.

و همچنین در باره مجرمینی که مشمول قسمت فوق میباشند ولی اصل مجازات جرم ارتكابی آنها در مرتبه بعدی زیاد تر و شدید از مجازات پیش بینی شده در آن (حبس موقت با اعمال شاقه) باشد تکرار جرم بلا اثر خواهد بود زیرا.

مطابق صریح قسمت اخیر از شق ۳ ماده ۲۰ اصلاحی مرقوم مجازات اشخاص مذکور همان مجازات مقرر برای اصل عمل خواهد بود.

بنظر اینجانب برای رفع اشکال و ابهام مزبور باید از مقررات ماده ۵۰ مکرر قانون مجازات عمومی استفاده نموده و بگوئیم اثر تکرار جرم در موارد مذکوره اینست که بموجب مقررات ماده ۵۰ مکرر محاکم نمیتوانند مجازات را از حداقل تنزیل دهند.

بحث در آراء دیوانعالی کشور

در مورد سه فقره از آراء هیئت عمومی دیوانعالی کشور که متن آنها در قسمت دوم مقاله نقل و از لحاظ خوانندگان عزیز گذشت در دو مطلب زیر بحث نموده و توضیح خواهیم داد.

۱ - ایرادات و اشکالاتی که بهر یک از آراء مذکوره وارد بنظر میرسد.

۲ - بشرح جهات تناقض بایکدیگر.

اول - در رای شماره ۲۷۳۸ مورخ ۲۱/۱۰/۲۹ که بموجب آن هیئت عمومی دیوانعالی کشور حکم دادگاه بدوی را مبنی بر محکوم نمودن متهم بعلت ارتکاب دو فقره سرقت با داشتن بیش از دو سابقه محکومیت کیفری برای ارتکاب دزدی و با رعایت ماده ۲ ملاحظه و ماده ۵۰ مکرر قانون مجازات عمومی بدو فقره سه سال حبس با اعمال شاقه محکوم نموده است صحیح و مطابق قانون دانسته و ابرام کرده است اشکالات زیر بنظر میرسد.

۱ - بنظر هیئت عمومی در ابرام حکم مزبور ظاهراً بر این بوده است که چون مطابق قسمت اخیر از شق ۳ ماده ۲۰ اصلاحی مجازات متهم مزبور حبس موقت با اعمال شاقه است بلاحاظ تعدد جرم دادگاه قانوناً مجاز نبوده است که مجازات را از حد اقل تنزیل دهد، بنا بر این حکم فرجام خواسته بلا اشکال بوده است.

ولیکن منطق و مبنای مزبور درست نبوده و اساس قانونی ندارد زیرا منظور از حداقل و حداکثر مجازات در ماده ۵ و مکرر همان حد اقل و حد اکثر مجازات اصل جرائم ارتكابی است نه مجازات تشدید شده و مقرر در ماده ۴ اصلاحی بنا بر این با اینکه دادگاه بدوی جهت رعایت تخفیف بماده ۵ و مکرر استناد کرده میبایستی مجازات را بکمتر از حداقل مجازات تشدید شده تعیین نماید و حکم سه سال حبس با اعمال شاقه که مجازات تشدید شده میباشد با رعایت ماده ۵ و مکرر مخالف قانون بوده است .

۲ - در موارد تکرار تعدد از حیث تشدید مجازات بلا اثر است در موارد مذکوره اثر تعدد فقط اینست که دادگاه باید برای هر یک از جرائم مجازات قانونی را تعیین نماید و طبق ماده ۲ ملحقه مجازات اشد اجرا خواهد شد زیرا اثر قانونی تعدد جرم مطابق ماده ۲ ملحقه بآئین دادرسی همان محکومیت بعد اکثر و عدم جواز تنزیل از حداقل در صورت وجود جهات مخففه میباشد که تکرار اثر مذکور را بنحوی شدید تر دارد بنا بر این در موارد تکرار اثر قانونی تعدد جرم هم از دو جهت فوق الاشعار وجود دارد ایجاد موجود و تحصیل حاصل بحکم عقل و منطق غیر ممکن است .

بطوریکه ملاحظه میشود در ضمن رای فوق الذکر هیئت عمومی دیوانعالی کشور بتحصیل حاصل غیر ممکن صحنه گذاشته و حکمی را که مبنی بر امر مزبور بوده ابرام کرده است .

۳ در رای هیئت عمومی این مطلب ضمناً تأیید شده است که اگر در مورد مفروض تعدد وجود نداشت دادگاه میتواندست بلکه موظف بود در صورت وجود جهات مخففه و رعایت ماده ۵ و مکرر مجازات بکمتر از حبس موقت با اعمال شاقه تخفیف و عندالاقضاء میتواندست تا حد اقل مجازات مقرر برای اصل جرم ارتكابی تخفیف بدهد ولی بعلت وجود عنوان تعدد شمول ماده ۲ ملحقه این توانائی و اجازه قانونی از دادگاه سلب شده است و این مطلب درست بر خلاف صریح ماده ۵ و مکرر و آراء متعدد و زیاد محاکم و شعب و هیئت عمومی دیوانعالی کشور است زیرا :

ماده ۵ و مکرر بکلیه موارد تکرر و تعدد و نیز بمواردیکه هر دو عنوان

وجود دارد شامل است و در این باب احکام بیشماری از محاکم جزای ایران صادر و از طرف شعب دیوانعالی کشور ابرام شده است.

۴ - رای شماره ۲۷۳۸ هیئت عمومی خود شامل نظرات و مطالب متناقض است چه در ضمن حکم مزبور استدلال شده است باینکه علاوه بر تکرار و شمول قسمت اخیر از شق ۳ ماده ۲۰ اصلاحی بمورد عنوان تعدد بوده از این جهت دادگاه نمیتوانست از حداقل مجازات پیش بینی شده در قسمت مزبور پائین بیاید و تخفیف بیشتری بدهد.

از استدلال مزبور استفاده میشود که هرگاه عنوان تعدد وجود نداشته باینکه مورد مشمول قسمت اخیر از شق ۳ ماده ۲۰ اصلاحی موجود بوده دادگاه میتواند از حد اقل مجازات مندرج در شق مزبور هم پائین بیاید و متهم را بکمتر از حبس موقت با اعمال شاقه محکوم نماید.

نتیجه مقدمات مذکوره که در حقیقت مفاد رای هیئت عمومی است اینست که سه سال حبس با اعمال شاقه در مورد مذکور هم حداقل قانونی مجازات است و هم نیست و این مطلب همان تناقضی است که در رای مزبور موجود است. چه اگر چنانچه در فرض مذکور یعنی در مورد قسمت اخیر از شق ۳ ماده ۲۰ اصلاحی حداقل مجازات مرتکب و در مورد نظر قانون گذار در ماده ۵ مکرر همان سه سال حبس موقت با اعمال شاقه بوده در این صورت طبق نص غیر قابل تفسیر ماده ۵ مکرر مزبور بدون وجود عنوان تعدد هم تنزیل از حداقل مذکور جایز نخواهد بود و چنانچه منظور از حداقل و حداکثر مذکور در ماده ۵ مکرر مزبور حداقل مجازات مقرر برای اصل جرم یا قطع نظر از جهات مشدده باشد در این صورت باز هم محاکم با وجود جهات مخففه با اجازه صریح ماده ۵ مکرر میتوانند مجازات متهم را تا حد اقل مرقوم تنزیل دهند چه عنوان تعدد هم باشد یا نه.

اشکالات چهار گانه فوق الاشعار کما بیش برای شماره ۵۹۹ مورخ ۳۶/۱۱/۱۴ نیز وارد است.

دوم - جهات تناقض آراء مذکوره با یکدیگر

بطوریکه ملاحظه میشود در تمام سه فقره آراء فوق الاشعار باین مطلب

تصریح شده است که مجوز قانونی تخفیف در تمام موارد تکرار و تعدد جرم فقط همان ماده ۵۰ مکرر قانون مجازات عمومی است معیناً بموجب حکم شماره ۲۷۳۸ مورخ ۲۹/۱۰/۲۱ حکم دادگاه بدوی دایر به محکوم نمودن متهم بسه سال حبس با اعمال شاقه با استناد ماده ۵۰ مکرر ابرام شده است.

و بموجب رای شماره ۵۹۹۰ مورخ ۶/۱/۲۴ باز هم رای دادگاه که طبق آن متهم با استناد قسمت اخیر شق ۳ از ماده ۲۰ اصلاحی و با رعایت ماده ۵۰ مکرر بسه سال حبس با اعمال شاقه محکوم شده است ابرام شده و مخصوصاً در این رأی هیئت عمومی تصریح شده است باینکه (چون مجازات مجرمینی که بیش از دو سابقه محکومیت برای دزدی یا کلاهبرداری داشته باشند بموجب بند ۳ از ماده ۲۰ اصلاحی قانون مجازات عمومی حبس موقت با اعمال شاقه است و در صورت تعدد بزه و لزوم تعیین کیفر بحد اکثر تخفیف از حد اقل مجازات مزبور قانوناً صحیح نبوده) و حال آنکه طبق حکم شماره ۳۶۸۹ مورخ ۳۸/۷/۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور حکم دادگاه تالی که با استناد قسمت اخیر از شق ۳ ماده ۲۰ اصلاحی و رعایت ماده ۵۰ مکرر متهم بیکسال حبس تأدیبی شده است ابرام گردیده و در ضمن حکم مذکور استدلال مفصل شده و توضیحات بیشتری در مورد رد اعتراض دادستان بکیفیت تخفیف و تشبث او بماده ۴۰ قانون در مورد تکرار داده و تأیید شده است باینکه برای تخفیف در کلیه موارد تکرار تعدد جرم فقط باید بماده ۵۰ مکرر استناد نمود.

و منظور از حداقل و حداکثر مجازات مذکوره در ماده ۵۰ مکرر حداقل و حداکثر مجازات اصل جرم است نه مجازاتی که از جهات علل مشدده تشدید گردیده است.

و اگر چنانچه در ماده ۵۰ مکرر منظور از حداقل و حداکثر مجازات حداقل و حداکثر مجازاتهای مندرج در ماده ۲۰ اصلاحی بوده دادگاه بدون رعایت تخفیف میتواند مابین حداقل و حداکثر مجازات متناسبی تعیین نماید، و وضع متأخر ماده ۵۰ مکرر برای اینست که دادگاه در موقع اعطا تخفیف بتواند مجازاتهای کمتر از مجازاتهای پیش بینی شده در ماده ۲۰ اصلاحی تعیین کند.

بطوریکه ملاحظه میشود رای مزبور از هر حیث مخالف و مغایر با دو رای

قبلی است و نظایر آراء فوق الذکر زیاد است و تعدادی هم در مجموعه رویه قضائی که مؤسسه کیهان چاپ و منتشر کرده درج شده است که آراء سه گانه بالا هم از آن نقل گردیده است .

تعدد جرم

در مورد تکرار جرم تا حد ممکن ابهام مادتی ۲۵ اصلاحی و ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی مرتفع و معایب و نواقص آن و همچنین تعارض ماده ۵۴ مکرر مزبور با ماده ۱۲ قانون فوق الذکر الاشعار در ضمن مقالات گذشته بیان شد .

و نیز نحوه استنباط محاکم و شعب دیوانعالی کشور و هیئت عمومی دیوان مزبور از مواد فوق الذکر از مطالب مقالات مذکوره روشن گردیده .

و چون موضوع تعدد جرم هم از موضوعات قابل بحث و توضیح حقوق جزای عمومی است و در این باب نیز از محاکم کیفری و شعب دیوانعالی کشور استنباطات متفاوت و آراء مختلف دیده میشود لذا بی تناسب نمیداند که در موضوع مذکور نیز توضیحاتی داده شود و در این بحث نکات زیر را مورد توجه قرار میدهد .

۱ - تعدد جرم در قانون اصلاح نشده مجازات عمومی

۲ - تعدد در قانون اصلاح شده (ماده ۲ ملحقه بآئین دادرسی کیفری)

۳ - اتواع تعدد جرم

۴ - آیا محاکم جزا و شعب دیوانعالی کشور بر طبق ماده منسوخه حکم

میدهد ؟

۵ - در باره مجرمینی که بسن ۱۸ سال تمام نرسیده اند احکام تعدد جاری میشود یا نه ؟

۶ - فاصله و حد وسطی فیما بین تعدد و تکرار از نظر قانون جزا وجود دارد

یا نه ؟

۷ - احکام کیفری متعدد که بدون رعایت ماده ۲ ملحقه از ناحیه محاکم

متعدد و یا از طرف یک دادگاه بدون توجه بجرائم دیگر یک متهم صادر میگردد

و برای اجرا بمرجع اجرای احکام فرستاده میشود چگونه باید اجرا شود ؟

الف - قانون جزای مصوب ۱۳۰۴ مادتی ۳۲ و ۳۳ در مورد بیان

حکم تعدد جرم وضع شده است که متن آنها چنین است .
 (ماده ۳۲ - اگر چند جرم برای یک مقصود واقع شده و مربوط بهم باشد و یا اینکه بعضی از آنها مقدمه یا جزء دیگری بوده یا تفکیک از هم نشوند تمام آنها یک جرم محسوب و مجازات جرمی داده میشود که جزای آن اشد است .)
 (ماده ۳۳ - هر گاه شخصی جرمی را مکرراً مرتکب شده، بدون اینکه حکمی در باره او صادر شده باشد برای هر جرمی حکم بمجازات علیحده صادر نمیگردد ولی محکمه مجرم را بعد اکثر مجازات محکوم خواهد نمود)
 مستفاد از دو ماده مذکور اینست که اولاً در هر موردی که جرائم متعدد بمنظور انجام یک مقصود و جرم معین ارتکاب میشود و مربوط بهم میباشند و یا بعضی از آنها مقدمه یا جزء دیگری بوده و قابل تفکیک از هم نباشند جرم واحد محسوب خواهند شد و مجازات جرمی داده میشود که مجازات آن اشد است (ماده ۳۲) .

ثانیاً - هر گاه شخصی یک جرمی را مکرراً مرتکب بشود و در باره هیچیک از دفعات ارتکاب شده جدا گانه حکمی صادر نشده باشد محکمه ایکه بجرائم مذکوره رسیدگی میکنند نمیتواند برای هر جرمی مجازات علیحده تعیین کند ولیکن مجرم را بعد اکثر مجازات مقرره محکوم خواهد کرد . بطوریکه ملاحظه میشود بموجب ماده ۳۲ قانون مصوب ۱۳۰۴ جرائم متعدد مرتبط بیکدیگر که بعضی از آنها مقدمه دیگر و یا جزاء آن بوده بنحویکه غیر قابل تفکیک از هم باشند یک جرم محسوب شده و مجازات جرمی بمرتکب داده میشود که اشد است .

و بموجب ماده ۳۳ آن هم اگر شخصی جرمی را بطور مکرر انجام دهد و این دفعات مکرره بهم ارتباط هم نداشته باشند باز هم دادگاه برای هر یک از آنها مجازات علیحده و مخصوص تعیین نمیکند و اثر تعدد اینست که مجرم بعد اکثر مجازات مقرره محکوم میشود .

و این نکته را هم باید مورد توجه قرار داد که ماده ۲۳ منسوخ فقط حکم تعدد از یک جرم یعنی تکرار ارتکاب یک جرم را بیان کرده است ولی اگر شخصی جرائم متعدد از انواع مختلف را مرتکب شده باشد چه تکلیفی برای محاکم وجود دارد بیان نشده است زیرا :

ماده مزبور میگوید (هرگاه شخصی جرمی را مکرراً مرتکب شده الخ) و معنی عبارت مزبور همانست که بیان شد و خلاصه آن اینست که اگر مجرم یک جرم را مانند سرقت یا مثلاً کلاهبرداری مکرراً یعنی بدفعات مرتکب شود بعداً کثر مجازات مقرره محکوم خواهد شد ولی اگر به جرائم متعدد از انواع مختلف مرتکب بشود مثل اینکه یک دفعه مرتکب سرقت و دفعه دیگر کلاهبرداری و بار سوم خیانت در امانت گردد قانون سابق تکلیف خاصی در این خصوص نداشته است و این مطلب یکی از نواقص مهم و بزرگ قانون سابق بوده زیرا محاکم در برابر مجرمینی که بجرائم متعدد از انواع مختلف جرم مرتکب شده بودند نمیدانستند که چه نوع اقدام کنند این مطلب و نواقص دیگری که در آن بوده موجب شد مادتین ۳۲ و ۳۳ مزبور طبق ماده ۳ قانون متمم اصول محاکمات حقوقی مصوب مهر ۱۳۱۱ فسخ و بجای آنها ماده ۲ قانون مزبور وضع و تصویب شد که امروز در محاورات قضائی بماده ۲ ملحقه بآئین دادرسی کیفری معروف است و بنظر من بهتر بود بجای همان مواد منسوخ در خود قانون نوشته بشود - گرچه متأسفانه همین ماده ۲ ملحقه نیز عاری از ابهام و اشکال و بطوریکه در محل خود بیان خواهیم کرد هنوز تکلیف همه صور و موارد تعدد جرم بطور روشن معلوم نشده است و ماده ۲ مزبور هم قویاً محتاج باصلاح فوری است ولیکن بهتر و جامعتر از ماده ۳۳ منسوخ میباشد.

ب - بطوریکه بیان شد در باب تعدد جرم مادتین ۳۲ و ۳۳ قانون جزای عمومی بموجب ماده ۳ قانون متمم اصول محاکمات حقوقی فسخ و ماده ۲ قانون مزبور که بماده ۲ ملحقه بآئین دادرسی کیفری معروف است بجای آنها وضع و تصویب گردید که مقرر میدارد: «اگر شخصی مرتکب چند عمل شده که هر یک از آنها مطابق قانون جرم باشد محکمه برای هر یک از آن اعمال حکم مجازات علیحده صادر خواهد کرد ولو اینکه مجموع آن اعمال بموجب قانون جرم خاصی شناخته شده یا بعضی از آنها مقدمه جرم دیگری باشد در صورتیکه فرداً فرد اعمال ارتکابیه جرم بوده بدون اینکه مجموع آنها در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد محکمه باید برای هر یک حد اکثر مجازات مقرر را معین نماید. در صورتیکه فرداً فرد اعمال جرم بوده و مجموع آنها نیز در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد محکمه باید برای هر یک از اعمال مجازات علیحده تعیین کرده و برای مجموع نیز

مجازات قانونی را مورد حکم قرار دهد و در هر یک از موارد فوق فقط مجازات‌اشد بموقع اجرا گذاشته میشود.

بطوریکه ملاحظه میشود ماده مرقوم با مقایسه با ماده ۳۳ منسوخ جامعتر و روشنتر و تکلیف محاکم جزا در اکثر صور تعدد معین کرده است.

ماده ۳۳ منسوخ فقط بارتکاب مکرر یک نوع از جرائم ناظر بود و حال اینکه ماده ۲ ملحقه مرقوم بموارد دیگر نیز شامل است و نیز مقرر میدارد برای اینکه در هر صورت باید برای هر یک از جرائم متعدد مجازات مقرر قانونی را تعیین نمود و در بحث آتی جامعیت قانونی فعلی بر قانون سابق بیشتر معلوم و روشن خواهد شد.

ج - انواع تعدد جرم

مفهوم تعدد جرم با ملاحظه ماده ۲ ملحقه بآئین دادرسی کیفری باقسام زیر قابل تصور بوده و ممکن است تحقق پیدا کند.

۱ - تعدد حقیقی و آن عبارت است از اینکه مجرم مرتکب دو عمل واقعی گردد یک مرتبه از خانه کسی مرتکب سرقت بشود و بار دیگر بامانت شخصی خیانت نماید.

۲ - تعدد معنوی و آن عبارت است از اینکه فقط یک عمل از مجرم صادر گردد ولی بعمل واحد مذکور دو عنوان جرم صدق کند او یعنی مجرم ماشین را که در نزدش امانت بوده خراب کند که بعمل مزبور هم عنوان خیانت در امانت و هم تخریب صادق است.

۳ - تعدد نتیجه و آن عبارت از اینکه عمل ارتكابی مجرم یک عمل است ولی آثار و نتایج متعدد دارد که هر یک از آنها جرم است مثل اینکه در نتیجه یک بی احتیاطی عده مقتول و مجروح گردند و یا مجرم بایک تیر چند نفر را مقتول یا مجروح نماید و یا بار یختن سم در غذا عده‌ای را مسموم نماید. و این قسم سوم خود بدو قسم تقسیم میشود:

۱ - نتایج متعدد مقصود مجرم نیز بوده.

۲ - هدف او از ارتکاب جرم یک نتیجه بوده و تصادفاً نتیجه متعدد شده است مثل اینکه مجرم قصد داشت فقط یک نفر را بکشد ولی تیریکه شلیک نموده تصادفاً بدو نفر اصابت نموده.

۴ - چند عمل برای حصول یک مقصود و آن عبارت از اینکه مجرم بقصد ارتکاب یک جرم جرائم دیگر را نیز مرتکب میگردد مثل اینکه سارق میخواهد از خانه شخصی سرقت کند دیوار خانه همسایه را خراب میکند و از آن جا بخانه شخص مزبور وارد میشود.

۵ - جرائم متعدد مرتبط - آن عبارت است از اینکه مجرم بچند جرم مرتبط بهم که بعضی از آنها مقدمه دیگری بود مرتکب بشود مثل اینکه سارق جهت ورود بخانه ای جهت دزدی از خانه دیگر نردبان بدزدد و یا جهت ورود بخانه دیوار را خراب کند.

۶ - اعمال متعدد ارتكابی مجرم با اینکه هر یک به تنهایی جرم میباشند مجموع آنها نیز قانوناً جرم شناخته شده است ، مثلاً رانندگی بدون پروانه مطابق ماده ۹ قانون تشدید مجازات رانندگان مصوب جرم جنحه است و قتل غیر عمدی بر اثر بی احتیاطی و یا بی مبالاتی در هدایت وسایل موتوری نیز طبق ماده ۱ قانون مزبور جرم جنحه دیگر است و مجموع این دو یعنی رانندگی بدون پروانه و قتل غیر عمدی بر اثر بی احتیاطی یک جرم جنائی است .

اینها صور و فروض تعدد جرم است که مطابق صریح ماده ۲ ملحقه بآئین دادرسی کیفری در همه آنها بجز تعدد معنوی (صدق عناوین متعدد جرم بر فعل واحد) موضوع ماده ۳۱ قانون مجازات محاکم جزا مکلفند برای تمام جرائم متعدد مجازات قانونی را تعیین نمایند و در همه آنها نیز فقط مجازات اشد اجرا خواهد شد .

و فقط در صورتیکه فرداً فرد اعمال ارتكابی جرم بوده بدون اینکه مجموع آنها در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد محکمه باید حداکثر مجازات مقرر را تعیین نماید و در سایر موارد مذکور چنین تکلیفی ندارد .